

در همان زمان هنگامی که خودروهای کلاسیک به وفور با ابعادی به مراتب بزرگتر نسبت به خودروهای فعلی در سطح شهر وجود داشتند، طراحی پارکینگ در آپارتمان‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این مسئله بسیار مهمی است. در آن زمان خودرو در خانه‌های مردم تهران مسئله اساسی به شمار نمی‌آمد تا زمانی که پارکینگ در زیرزمین خانه‌ها طراحی شد؛ یعنی ما از یک گنجینه ارزشمند معماری-شهرسازی به عنوان فضای زیرزمین صرف‌نظر کردیم و آن را تبدیل به انباری و پارکینگ کردیم که حدود ۵۰ سال است که مشغول به همین کار هستیم و کار ارزشمندی انجام نداده‌ایم، زیرا از سطح زمین به زیر، بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگی، مدنی و اجتماعی خانه‌های ماست.

آیا گونه‌های اولیه آپارتمان‌سازی را در ارتباط با هم‌پیوستگی الگوی ایرانی از خانه می‌دانید؟

درواقع همین‌طور است. در زیرزمین‌های بعضی از خانه‌ها این را به راحتی می‌توان مشاهده کرد، البته نه در خانه‌هایی که یک‌مرتبه در ارتفاع بالا ساخته شدند. معماران ما هم تا جایی که ممکن بود به کمک حیاط توانستند سالمندان و کودکان خانواده را به چنین فضاهایی بیاورند؛ اما زمانی که بازار به میان آمد یعنی مترمربع، قیمت بنای مسکونی، قیمت زمین و میزان سود برای سرمایه‌گذار به عنوان سه پارامتر اصلی برای تعیین تکلیف خانه‌ها مهم تلقی شد، جرئت را از معماران گرفت و معماران هم پذیرفتند که به همین روش خانه‌سازی کنند.

در برخی از محله‌ها مانند جامی، شیخ هادی یا یوسف‌آباد شاهد آپارتمان‌های خوبی هستیم که به‌مرورزمان در حال تخریب هستند. شما آینده آن‌ها را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

ما نباید در تله روزمرگی‌ها قرار بگیریم یعنی بیشتر به فکر این باشیم که چگونه بافت‌های قدیمی را نجات دهیم. بافت‌های قدیمی از روزی به فلاکت رسیدند که رسیدگی به آن‌ها در دستور کار قرار گرفت و از همان زمان به بعد خانه به کالا تبدیل شد و خانه‌های قدیمی به بهانه نوسازی برای کسب درآمد بیشتر تخریب شدند که این مسئله در سطح گسترده در تمام شهرها قابل مشاهده است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. متأسفانه امروزه اختیار به دست کسانی است که به پشتوانه سرمایه‌ای که دارند، می‌توانند هر آنچه را که می‌خواهند بخرند و با هر کاربری و تراکمی شروع به ساخت‌وساز کنند. بدون شک به قانونی نیاز داریم که بتواند مانع بدکاری مشاوران و سرمایه‌گذاران در زمینه ساخت‌وسازهای مسکونی شود و حق شهروندی را برای شهروندان حس کند و به آن‌ها مرزها و حریم‌شان را یادآور شود. حق شهروندی امری نیست که در خانه تعریف شود. از اینجا به بعد تکلیف شهر چیست؟ ما در این زمینه قانون نداریم بلکه تنها الگوهای



تغییر یافته‌ای داریم که از فرنگی‌ها گرفته شده است که در وزارتخانه از آن استفاده می‌شود جایی که در آن نمی‌توان هیچ سامان یافتگی، قانون، برنامه‌ریزی و هماهنگی را با سایر وزارتخانه‌ها مشاهده کرد. چه کسی و تا چه اندازه حق دارد روی زمینی که قرار است خانه‌سازی در آن صورت گیرد سرمایه‌گذاری کند؟ چه کسی باید این مسائل را تدوین می‌کرد؟ در نتیجه ما به نگرش مدرن بسیار جدی، متکی بر حقوق مدنی شهری نیازمندیم که آگاهی از بار جهانی، تجربهٔ کشورهای دیگر، قانون مدنی ایران، قوانین جاری کشور و شرع مقدس را داشته باشد تا بتوان به‌واسطهٔ آن شاهد ساختمان‌سازی مطلوب باشیم.

داستان خانهٔ دکتر محمدمنصور فلامکی در خیابان عبدالکریم شریعتی منطقهٔ هفت تهران که به‌عنوان يك اثر ملی در فهرست میراث ملی کشور ثبت شده است چیست و آیا می‌توان آن را جزو گونه‌های آپارتمانی به شمار آورد؟

ساخت خانه در زمینی که در این منطقه وجود داشت در دههٔ ۱۳۳۱ آغاز و در سال ۱۳۳۲ برای سکونت تکمیل شد. این خانه در دو طبقه به همراه زیرزمین، گرمابه، حوض، حیاط، گاراژ و یک انباری در طبقهٔ بالا خلاصه می‌شد. مالکیت آن پس از درگذشت والدینم به وراثت رسید. پس از آن بود که تصمیم به بازسازی خانه برای ایجاد مکانی گرفتم که به‌صورت کامل در اختیار فعالیت‌های فرهنگی و مدنی حرفهٔ معماری باشد که در دههٔ ۹۰ با توافق خانوادهٔ خود باغی را که در گلندر داشتیم برای هزینهٔ بازسازی فروختم. در فرایند بازسازی فضای گرمابه گسترش پیدا کرد و به انبار کتاب اختصاص داده شد. زیرزمین به کلاس تبدیل شد و خانهٔ کوچکی برای سرایدار ساختیم که جزو جدایی‌ناپذیر یک ملک است.

سپس یک طبقه و همچنین یک سوئیت در طبقهٔ چهارم به مجموعه اضافه کردم؛ سوئیت دفتری است که کارهای پژوهشی مربوط به مرکز اسناد از آنجا شروع شد تا شرایط برای تأسیس مجله‌ای در زمینهٔ معماری-شهرسازی ایرانی- جهانی به اتکا مرکز اسناد که از منابع قابل‌استفاده بهره‌جویی کند نیز فراهم شود. البته مجموعه فقیر نیست و کتابخانه‌ای با هشتاد هزار جلد کتاب در طبقهٔ دوم آن وجود دارد. این مجموعه وقف ملی است. مالکیت آن متعلق به من است که گروهی متشکل از هشت نفر موظف به حفاظت از آن هستند؛ من و همسر من تا مادامی‌که در قید حیات هستیم، می‌توانیم در طبقهٔ سوم این خانه زندگی کنیم. در حال حاضر به دلیل هزینه‌های بالا به‌سختی می‌توان مجموعه را مدیریت کرد، اما به هر نحوی سعی در حفاظت و نگهداری مجموعه داریم تا تولید کتاب و فعالیت‌های علمی- فرهنگی در آن متوقف نشود. از فعالیت‌های ارزشمندی که در این خانه انجام شده است می‌توان به برگزاری دورهٔ بازآموزی معماری نیز اشاره کرد. ■

خانهٔ محمد منصور فلامکی، تهران

عکاس: فریال محبوب